Archive of SID

www.SID.ir

Archive of SID

سیره خانوادگی حضرت خدیجه(س)

اعظم فرقانی الهآبادی[۱]

چکیده

خانواده در اسلام دارای جایگاه رفیعی است. این نهاد کوچک ولی مقدس، محل عروج و کمال انسان و کانون تربیت و پرورش استعدادهای نسل آینده است. رفتارشناسی حضرت خدیجه(س) در خانواده به‌عنوان الگویی برتر و راه و رسم و اصولی که ایشان در خانواده رفتار کرده‌اند، راهنمایی مفید و کلیدی در حوزه مباحث خانوادگی است که در استحکام بنیان خانواده نقش بسزایی دارد. هدف این پژوهش، بررسی سیره و منش حضرت خدیجه(س) با توجه به نقش الگویی آن حضرت در سبک زندگی زنان است. در این پژوهش تلاش شد تا علاوه بر بیان اهمیت خانواده در اسلام، به بررسی سیره خانوادگی آن حضرت در سه بخش پرداخته شود، تا زنان با الگوگیری از ایشان در مسیر همیاری و تعامل گام بردارند و برای ساختن زندگی خوب بکوشند.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه(س)، سیره، خانوادگی.

[۱]. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه فاطمیه اشکذر.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

خانواده نقش بسزایی در سیر دادن انسان به سوی کمالات دارد و هیچ پایگاهی همچون خانواده ممکن نیست چنین نقش بستر سازی داشته باشد. انسان برای رشد و تعالی به آرامش روحی، جسمی وعاطفی نیاز دارد و این آرامش تنها در محیط خانواده تامین می‌شود.

حضرت خدیجه (س) همسر پیامبر اسلام از هر جهت مظهر کمالات انسانی و ایثار و مقاومت بود. همسری مدبر وخردمند، مادر مهربان و فضیلت پرور، مجاهدی مقاوم و صبور و مبلغی با عزت که به راستی زندگی سراسر درخشان او، عالی ترین الگو برای زنان است. زندگانی ایشان دارای جنبه‌های گوناگونی است وهمچنین شاخصه‌هایی را در بر می‌گیرد.

بنابراین در مقاله حاضر بر آن شدیم تا به طور ویژه به بررسی زندگانی حضرت خدیجه(س) در حوزه خانواده بپردازیم. این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی- تحلیلی می‌باشد، که در ابتدا به اهمیت خانواده در اسلام اشاره شده و در ادامه به بررسی سیره و رفتاری که آن حضرت در حوزه خانواده مورد توجه قرار داده اند در سه حیطه ی بینش ومنش، معاشرت با همسر و تربیت فرزندان پرداخته شده است. با توجه به مطالعات انجام شده در حوزه زندگانی واخلاق نمونه حضرت خدیجه(س) کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است. در کتاب‌های شیعی مانند اعیان الشیعه یا بحار الانوار مطالبی در مورد ایشان آورده شده است. همچنین در رابطه با ایشان کتاب‌هایی نوشته شده از جمله: فروغ آسمان حجاز خدیجه(س)، خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت که به زندگی ایشان از تولد تا وفات پرداخته شده است و در مقالاتی مانند حضرت خدیجه(س) بانوی شایسته اسلام و یا فضایل حضرت خدیجه(س) به بعدی از ابعاد زندگانی آن بانوی برتر پرداخته شده است. امید است این پژوهش نیز مورد قبول قرار گیرد.

الف. مفهوم شناسی

در این مقاله بامفاهیم مهمی روبرو هستیم، که در این بخش به تعریف این مفاهیم پرداخته می‌شود تا در بررسی موضوع هیچ گونه ابهامی وجود نداشته باشد.

سیره

معنای لغوی: واژه سیره اسم مصدر از (سیر)است. (سین، یاء وراء)ریشه‌ای است که بر گذشتن وروان شدن و حرکت کردن دلالت می‌کند. [1]

[1]. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج۳، ص۱۲۰.

www.SID.ir

Archive of SID

این ریشه همچنین به معنای رفتن وسیر کردن در زمین است. [۱]سِیرَه بر وزن فِعْلَه بیان کننده نوع حرکت و رفتار انسان است. این واژه در این وزن بر هیأت و حالت انجام شدن فعل دلالت می‌کند؛ همچون جَلْسَهٔ یعنی نشستن و جِلْسَهٔ یعنی نوع نشستن و سِیرَهٔ نوع حرکت است. [۲] از این رو، اهل لغت در توضیح آن گفته اند؛(سیره) طریقه و حالت است. [۳]راغب اصفهانی درباره این واژه می‌نویسد:

سیره حالت و روشی است که انسان و غیر انسان، نهادو وجودشان برآن قرار دارد، خواه غریزی باشد و خواه اکتسابی؛ چنان که گفته می‌شود: فلانی سیره و روشی نیکو یا سیره و روشی زشت دارد و آیه «سَنُعِیدُهَا سِیرَتَهَا الْأُولَی»[٤] یعنی آن حالتی که بر آن بوده که همان چوب بودن آن است. [٥] بنابراین، سیره بیان کننده حالتهای رفتاری برقرار و استوار است.

معنای اصطلاحی: یعنی استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری یا ترک عملی. [٦] به عبارت دیگر، سیره عبارت است از بنای عملی انسان‌ها در طول تاریخ بر انجام کاری یا بر ترک آن. [۷]

مفهوم سیره و سیره‌شناسی

با توجه به آن چه ذکر شد، مفهوم حقیقی سیره، نوع رفتار وسبک رفتار و طریقه خاص زندگی است که لازمه آن داشتن اصول در زندگی است؛ یعنی انسان در زندگی خویش، در حوزه‌های مختلف، تابع اصول عملی کلّی، مشخص وثابت باشد و سیره شناسی در واقع، شناخت اصول و روش در رفتار و کردار خود دارد.

خانواده

معنای لغوی: (نْ یانِ دِ) (اِمر)۱. اهل خانه، اهل البیت. ۲. مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که زیر یک سقف زندگی می‌کنند. [۸]

---

[۱]. ابن منظور، لسان العرب، ج۵، ص٤٥٣.

[۲]. همان، ج ٦، ص٤٥٤.

[۳]. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج۳، ص۱۲۱.

[٤]. طه، ۲۱.

[٥]. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص۲٤۷.

[٦]. طباطبایی حکیم، الاصول العامه للفقه المقارن، ص۱۹۹.

[۷]. قلی زاده، واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه، ص۱۲۰.

[۸]. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه خانواده.

www.SID.ir

Archive of SID

معنای اصطلاحی: خانواده، نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد و با تولید مثل، توسعه می‌یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهمترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو، اسلام که برنامه ی تکامل انسان است برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت ساز و پیشگیری از فروپاشی آن رهنمودهای بسیار مهمی ارایه کرده است. [۱]

بینش

معنای لغوی: (نِ)(اِمص). ۱. رؤیت. ۲. بصیرت [۲]

معنای اصطلاحی: فهمی از خود و روابط با دیگران است که تجربه‌های پیشین را روشن یا فرد را در حل مسآله‌ای یاری می‌کند. [۳]

منش

معنای لغوی: (مَ نِ)[په.] (اِمص.) خوی، سرشت. [۴]

معنای اصطلاحی: مراد از منش یا رفتار در انسان، مجموعه واکنش‌های کرداری و گفتاری مثبت یا منفی است که انسان از روی آگاهی و به صورت اختیاری، در برابر کنش‌های درونی و بیرونی، از خود نشان می‌دهد. [۵]

ب. اهمیت خانواده در اسلام

اسلام خانواده را از مهم ترین و اساسی ترین واحدهای اجتماعی می‌داندکه بنای آن بر الفت و همدلی و همدمی استوار و این بنا محبوب ترین بناها در پیشگاه خداوند است. روابط آن بر مودت و رحمت پایه گذاری شده و گرمی کانون خانواده مورد توجه عمیق اسلام است. تعالیم اسلامی شخصیت واقعی انسان را مد نظر دارد و نیک بختی و سعادت زوجین را در سایه عقد و پیمان ازدواج با در نظر داشتن معیارهای انتخاب همسر تضمین می‌کند. در عین خواستاری لذت وخوشی برای زن ومرد روابط آنها را بر مبنای ضابطه اندیشیده‌ای قرار می‌دهد. اسلام زندگی خانوادگی را بر مبنای حقوق و مسئولیت قرار می‌دهد و در

---

[۱]. محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص۱۱.

[۲]. دهخدا، همام، ذیل واژه بینش.

[۳]. میر شکاری، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ذیل واژه بینش.

[۴]. دهخدا، همان، ذیل واژه منش.

[۵]. وطن دوست، تحلیل فلسفی ارتباط میان بینش، گرایش و منش و ارایه راهکارهای تربیتی دستیابی به رفتار سالم.

www.SID.ir

Archive of SID

آن وظیفه هر یک از اعضاء معلوم ومشخص است. اسلام قایل است اصلاحات از خانواده‌ها باید شروع شوند و زن و شوهر مسلمان باید بقای حیات اجتماعی را در خانواده پی ریزی نمایند.

خانواده نظامی دارد که از سوی خالق بشر، همان کس که به همه ریزه کاری‌ها و ظرافت ولطافت حیات او آگاه است و برای بشریت سعادت و نیک بختی می‌خواهد و در کارش اشتباه و لغزشی نیست تهیه وتدوین شده است در نتیجه برای انسان بدبختی و تأسف وتأثری نخواهد بود و موجبات سکون وآرامش واقعی زوجین از هر سو فراهم است.[۱]

اسلام به خانواده اهمیت ویژه‌ای قایل شده و نقش این نهاد کوچک ولی با اهمیت را در تعلیم و تربیت انسانها و شکل گیری تمدن‌های بشری بسیار مهم می‌داند و رشد و بلوغ افراد از جهات متعدد عقیدتی، معنوی و فکری و... را مرهون خانواده و والدین می‌داند.

ج. سیره خانوادگی حضرت خدیجه

خانواده محمل سیر دادن آدمی به سوی کمالات است و هیچ پایگاهی همچون خانواده ممکن نیست چنین نقش بسترسازی داشته باشد. انسان برای رشد و تعالی به آرامش روحی، جسمی وعاطفی نیاز دارد و این آرامش آن گونه که باید در خانواده تامین می‌شود.

«وَمِنْ آیاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجاً لِتَسْکُنُوا اِلَیْهَا»[۲] و از نشانه‌های او این است که ازنوع خودتان همسرانی برایتان آفرید تا به آنها آرام گیرید.

رفتار شناسی حضرت خدیجه(س) و راه و رسمی که در خانواده رفتار نموده اند راهنمایی مفید وکلیدی در حوزه مباحث خانوادگی است. در اینجا به بخشی از ابعاد رفتاری آن حضرت در حوزه خانواده پرداخته می‌شود.

۱. بینش و منش زیبا

از امتیازات بانوی خردمند حجاز این است که افزون بر موقعیت علمی و فرهنگی و قدرت تجزیه رویدادها و آینده نگری وآگاهی از معارف پیامبران و کتابهای آسمانی خود در ابعاد گوناگون زندگی در چهره پرشکوه به صورت نمونه‌های مطرح برای عمل و منش پدیدار می‌گردد، به طوری که پیامبر او را در کنار نمونه‌هایی از چهره‌های پرشکوه تاریخ مانند مریم سرمشق والگوی زنان و مردان کمال جو عنوان می‌کند و همین

---

[۱]. قایمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص۱۴.

[۲]. روم، ۲۱.

www.SID.ir

Archive of SID

نشانگرهای این نکته است که آن حضرت سبک و منشی مشخص و اصولی و جاودانه و پرجاذبه در ابعاد گوناگون دارد و گرنه چگونه می‌تواند الگو و نمونه‌ای شایسته قرار گیرد در اینجا به برخی از ارزش‌های اخلاقی و انسانی یا بینش آن حضرت در زندگی خانوادگی شان اشاره می‌شود:

۱. نواندیشی و نوگرا یی

از ویژگی انسان‌های هوشمند، روح نواندیشی و نوگرایی داشتن است. آنان به آداب و رسوم رایج، فرهنگ و مقررات غالب، بافته‌ها و یافته‌های موروثی و بینش و منش رسمی صاحبان قدرت و آیین و باور مردم روزگار خود بسنده نمی‌کنند و همواره درجست وجوی راهی نو، سبکی جدید، شیوه‌ای برتر، برنامه‌ای جالب تر، آیین و منشی مترقی تر و دنیایی خردمندانه تر برای زندگی و تأمین حقوق انسان‌ها هستند. همین ویژگی یکی از رازهای پذیرش دعوت‌های آسمانی و نهضت‌های آزادی خواهانه پیامبران و ترقی خواهان تاریخ از سوی این چهره هاست. قرآن این ویژگی و رهاورد درست آن را ارج می‌نهد و در میان جویندگان آزادی و عدالت، به پیشتازترین‌ها پاداشی پرشکوه تر را نوید می‌دهد. اگر شرایط آن روز جهان عرب را بنگریم، پی می‌بریم که خدیجه از روح ابتکار و نواندیشی ویژه‌ای بهره ور بود و از فرهنگ و آیین و مدیریت روزگارش بسیار پیش تر و مخالف سرسخت جنبه‌های ظالمانه باورها و آداب و رسوم آنها بود، و در اندیشه راهی نو و د نیایی نو و فرهنگ و منشی خردمندانه می‌زیست. و به آیین مورد نظر تاریک اندیشان اهمیت نمی‌داد و از رهاورد آن بر کنار بود. او نه بسان زن عادی آنروز، به انزوای تحمیلی تن سپرده بود و نه شب نشینی و بردگی جنسی زن اشرافی را به رسمیت می‌شناخت. کار، پویایی اندیشه او بود که او را به مدیریت و تجارت و جسارتی مستقل سوق داده بود، که نه تنها خود را نیازمند مردِ خودکامه روزگار نمی‌دید که ازدواج با زورداران و زرداران تاریک فکر نیز برای او تحمل ناپذیر شده و جویای جوانی متفاوت با مردنمایان دنیای خویش بود.[۱] او دارای ثروت و اعتباری بسیار بود، امّا به جای کار ظالمانه رایج که رباخوارگی و مکیدن خون محرومان و خوشگذرانی رایج زرداران بود سرمایه اش را در راه سازندگی و تجارت و سود عادلانه و گره گشایی و مردم نوازی به کارمی انداخت. از این راه سودمند، هم بر ثروت خود می‌افزود و هم بر اقتصاد جامعه خون سالم تزریق می‌کرد. هم با کارآفرینی، گروهی را در شبکه تجاری خود به کار می‌گرفت و اداره می‌کرد و هم نیازهای مردم به وسایل زندگی را برطرف می‌ساخت، و مطلوب تر از همه به ندای آزادگی و ناسازگاری خود با روزگارش پاسخ می‌داد. اگر شرایط رباخواری آن روز و آیات قرآن در این مورد را بنگریم که چگونه و در چند مرحله به جنگ این آفت بزرگ اجتماعی رفته است بیشتر به عظمت این انسان خوش فکر پی می‌بریم. مایه‌های نواندیشی و روشنفکری خدیجه، پیش از آشنایی با محمّد(ص) و پیوند با او، از این کانون‌ها سرچشمه می‌گرفت:

[۱]. کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز خدیجه(س)، ص۳۲۲-۳۱۹.

www.SID.ir

Archive of SID

۱. از خِرد و هوش سرشار؛

۲. از خانه و خانواده روشن اندیش و حق طلب؛

۳. از آموزه‌های آیین حق گرای ابراهیم، که خاندان محمّد(ص) و خدیجه خود را فرزند او و خدمتگزار کعبه می‌دانستند؛

٤. از آموزه‌های مذهب موسی و مسیح از راه گفت و شنود با دانایان آنان، نظیر «ورقه»، «نسطور»[1]، «بحیرا» و... [2] ونیز گروه‌هایی که به سبب نویدهای موسی و مسیح و وصف آخرین پیامبر و خاستگاه او، از شام و فلسطین به حجاز هجرت کرده ودر انتظار ظهور نور و طلوع خورشید ایمان و آزادی بودند؛

۵. از راه برخی الهام‌ها و دریافت‌های شگفتی که براثر خردورزی و پاک منشی و پروا، در عالم رؤیا برایش پیش می‌آمد؛

٦. از راه روابط اقتصادی و آشنایی با قطب‌های قدرت و مراکز خبرساز آن زمان؛

۷. از راه دیدار با چهره‌های مطرح و آشنایی با اندیشه آنان.

این عوامل برانگیزاننده، دخت خردمند حجاز را با جامعه و روزگارش متفاوت ساخت، و او را خردمند و انسانی وارسته ساخت؛ به گونه‌ای که هم از حقایق جاری روزگارش آگاه بود و هم به خداجویی و بشردوستی آراسته شد و هماره در اندیشه جامعه وجهانی نو می‌زیست، و همین‌ها باعث تکاپوی او گردید، تا سر انجام با محمّد(ص) آشنا شد و همراهی، همسری، مشاورت و وزارت او را در راه ایجاد تحول مطلوب برگزید و ۲۵ سال پا به پای آن پیشوای معنویت، تفکر، عدالت ونجات به تلاش ادامه داد.

۲. ابتکار و استقلال جویی

استقلال جویی دخت کمال از رفتارش نمایان است، و این از امتیازهای بلند اوست؛ چراکه اگر انسان از نظر اندیشه، مبتکر و مستقل نباشد نمی‌تواند در میدان تجارت و مدیریت با استقلال رفتار کند. در پرتو این استقلال اندیشه بود که ده‌ها خواستگارِ دارنده زر و زور را نپذیرفت؛ امّا وقتی با انسانی پاک منش بسان محمّد(ص) آشنا شد، برخلاف آداب و رسوم روزگار، خود پیشنهاد پیوند داد و آن گاه که هیاهو به راه افتاد که دخت ثروتمندی چون شما با جوان تهی دستی چون او نباید پیوند زندگی بندد، با قدرتی شگرف ایستاد و همه امکانات خود را در پای محمّد(ص) ریخت و نشان داد که حُسن انتخاب، سعادت، شخصیت و شکوه

[1]. ابن هشام، السیرة النبویة، ج۱، ص۲۰۰- ۱۹۹.

[2]. مجلسی، بحار النوار، ج۱٦، ص۲۱- ۲۰.

www.SID.ir

Archive of SID

چیزی است که برای به دست آوردنش نه تنها از پول، کاروان تجارتی، شهرت وقدرت، که باید از هستی گذشت. یکی از اسناد تاریخی می‌گوید: خدیجه(س) به راستی بانویی خردمند و پرشرافت بود. در روزگار خود از نظر تبار از بهترین‌ها بود و از نظر شرافت، پرشکوه ترین آنان و از نظر ثروت، ثروتمندترین آنان به شمار می‌رفت. بسیاری از چهره‌های سرشناس روزگار برای پیوند با او کوشیدند، امّا او پاسخ منفی داد و در همان حال، خود با هوشمندی و آینده نگری عجیبی به خواستگاری پیامبر رفت و با درایت و نجابت انگیزه‌های انسانی خود را برای این پیشگامی بیان کرد و گفت: من برای خویشاوندی و همفکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته ات دل در گرو مهر تو دارم، و اگر بپذیری با تو پیمان زندگی مشترک می‌بندم! و پس از امضای آن پیوند خجسته، گفت: اینک خانه خانه توست و هستی ام از آن تو و من هم نه مشاور، وزیر، همفکر و همسر که خدمتگزار تو و هدف‌های انسانی و رهایی بخش تو خواهم بود. [۱]

۳. هدفداری و فداکار ی

او امتیاز هدفداری و فداکاری را نیز به همراه داشت. زندگی پرفراز و فرود او نشانگر آن است که در پی هدفی پاک بود. هدفی فراتر از زر و زور، برتر از خور و خواب و ارجمندتر از آسایش شخصی و خانوادگی، موجِ بی قراری را می‌ماند که در راه هدف، آرامش نداشت و آن گاه که به ساحل وجود محمّد(ص) رسید و نوگرایی و بشردوستی و ارزش‌های خداپسندانه را نگریست، خود را در آستانه هدف یافت. از این جا می‌توان به این راز پی برد که چرا پیامبر او را آن قدر دوست می‌داشت و احترام می‌کرد و در کوران‌های زندگی او را از مشاوران خردمندش می‌شناخت و به دیدگاه او اهمیت می‌داد. تا همیشه ی زندگی «خدیجه» ونیکی‌ها و شایستگی‌های او بر زبانش بود و هر آنچه از آن یار پرشکوه نشان داشت، برایش احترام انگیز بود، وبرای بستن دهان حسودان، تأکید می‌کرد: «به خدای سوگند که خدا برتر از خدیجه به من نداده است...» [۲]

٤. درایت و خردمندی

موهبت خِرد و خردورزی، یعنی نگرش متفکرانه بر پدیده‌های آفرینش و شناخت پیوندهای آنان؛ یعنی تعمق در سازمان وجود خود و شناخت خویشتن؛ یعنی شناخت طبیعت و استخدام آن؛ یعنی هدفداری و هدف شناسی و آراستگی به ارزش‌ها و پیراستگی از ضد ارزش‌ها ؛ یعنی اوج گرفتن به بندگی خدا و ساختن شایسته دنیا و آخرت:«اَلْعَقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمن وَاکتُسِبَ بِهِ الجَنان» اگر خِرد به این معناست، خدیجه خردمندترین بانوی روزگار بود، و این ویژگی در سراسر زندگی اش نمایان است. او در پرتو خرد بلندش به

---

[۱]. کرمی فریدنی، همان، ص۳۳٦- ۳۳٤.

[۲]. همان، ص۳۳۸- ۳۳۷.

www.SID.ir

Archive of SID

جایی رسید که نخستین بانوی توحیدگرا شد، و هستی اش را برای ساختن تاریخ، به پای حق ریخت. او در راه هدف، فداکاری می‌کرد، پیامبر را دلداری می‌داد، به او امید می‌بخشید، و در برابر بی مهری و خشونت، پناهش می‌داد وغرق مهرش می‌ساخت و مدیر داخلی کانون گرم و با صفایی بود که محمّد(ص) از آن سنگر، به تسخیر کشوردل‌ها کمر همّت بسته بود، و بدین جهت، مشاور آگاه و وزیر خردمند و شجاع پیامبر(ص) بود. در یکی ازاسناد چنین تاریخی آمده است: «وَ ما کانَتْ مِنْ اَحْسَنِ جَمالاً، و اَکْمَلهنَّ عَقْلاً، و اتمّهُنَّ رَأیاً، واَکْثَرهُنَّ عِفَّةً وَ دِیناً وحَیاءً و مُرُوّةً و مالاً...[1] خدیجه در زیبایی ظاهر و باطن، زیباترین زن روزگارش بود و از نظر خِرد خردمندترین ودانشمندترین آنان. او در پاک روشی، دین باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزّت و آزادگی آراسته ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان.

۵. بانوی دانش و بینش

خدیجه(س) در آن روزگار تیره و تار، از زنان صاحب بینش و منش بود و ازدانشمندان سرشناس، و با عالمان مذهب موسی و مسیح در گفتمان بود، و در این رشته‌ها صاحب اندیشه و نظر به شمار می‌رفت. یعنی گذشته از فضائل اخلاقی، او از کمالات علمی نیز برخوردار بود. تاریخ گواهی می‌دهد که خدیجه(س) در مورد دانش عصر خود اطلاعات فراوانی داشت و از کتاب‌های آسمانی آگاه و از نظر عقل و درایت و زیرکی بر تمام زنان حتی بسیاری از مردان معاصر برتری داشت. بنابراین او دارای تمام کمالات و امتیازهایی بود که یک زن می‌تواند داشته باشد. او علاوه بر تعبیر خواب، در شناخت مذاهب نیز صاحب دانش بود. علاوه بر آن گنجینه اسراررسول خدا(ص) بود. این صفات نشانگر آن است که این بانو این گونه بود:

۱. از آیین موسی و مسیح و ابراهیم آگاه بود.

۲. با یکتایی آفر یدگار هستی، فرشته وحی، پدیده وحی و پیام خدا، مقام والای پیامبری، و نیز شیطان و وسوسه‌های آن و دیگر مفاهیم دینی آشنا بود.

۳. او همراه پیامبر و نزدیک ترین‌ها به او بود.

آیا با آن عشق متقابلی که میان آن دو بود و با آن شوری که وی برای شناخت تحولات آینده داشت، ممکن است آموزه‌های پیامبر را فرانگیرد و یا پیامبر آیین خود را به او نیاموزد ؟ چگونه او که نخستین گرونده به اسلام، عفیف ترین بانو و پیشتازترین‌ها در توحید و اخلاص بود، و پیش از همه در جریان فرود وحی بر یار مهربانش قرار می‌گرفت و خانه اش فرودگاه فرشتگان بود، صاحب دانش نباشد؟ خدیجه(س) از بانوان کمال

[1]. محلاتی، ریاحین الشریعهٔ، ج۲، ص۲۰٤.

www.SID.ir

Archive of SID

جو و دانشوری است که پس از ظهور اسلام، فکر و فرصت خود را علاوه بر خانواده در خدمت آموزش قرآن و فرهنگ و سیره پیامبر قرار داد، و از آورندگان حدیث گردید.

٦. حیا

یار باوفا و مشاور خردمند پیامبر در زندگی انسان ساز و درس آموزش نمونه حیا و وقار و احساس مسئولیت بود. او از همدم و همراه زندگی اش پیامبر احساس شرمساری می‌کرد که همسر او باشد اما در میدان‌های افتخار و معنویت پیشتاز ترین زنان نباشداو به گونه‌ای آراسته به حیا و وقار بود که با این وضع در روزهای تنهایی و گرفتاری و ناامنی و محرومیت پیامبر از همه حقوق و آزادی و امنیت بر اثر فشار استبداد مایه نهاد و به راه و رسم مترقی او پیوست و با این که پیش از آن با دست زدن به سینه صاحبان ثروت و قدرت همسری به همراهی محمد را به خاطر معنویت و بزرگ منشی او برگزید و با اینکه ثروت و امکانات گسترده خویش را نثار قدم او نمود و خود مانند همدم و همراهی با وفا و وزیر و مشاوری کارآمد و فداکار پا به پای او رنج‌ها و فشارها و زخم زبا ن‌ها و ناامنی‌ها و اهانت‌ها و تبعیدها و گرسنگی‌ها را به جان پذیرفت و چیزی هم جز خشنودی خدا نجست.

۷. تحمل پذیری و صبر

خدیجه (س) صبر و تحمل را در زندگی با رسول خدا(ص) پیشه خود ساخت در برابر فشارهای مختلف همسایه‌های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری و تحمل پذیری ویژه‌ای از خود نشان می‌داد. از جمله این وقایع می‌توان به واقعه شعب اشاره کرد که نقش مهمی نیز در تحلیل قوای جسمانی خدیجه(س) داشت، به اندازه‌ای که به فاصله اندکی از پایان محاصره، آن بانوی بزرگوار وفات یافت. در این دوره حتی برخی بستگان پیامبر نیز با بی رحمی تمام بر این فشارها می‌افزودند که از جمله آن‌ها می‌توان از ابوجهل نام برد که مانع می‌شد تا حکیم بن حزام برای عمه اش خدیجه(س) که در شعب بود، حتی از اموال خود خدیجه آذوقه برساند.[1]

۲. الگوی برتر شوهرداری

یکی از ابعاد مهم سبک زندگی اسلامی که سهم بسزایی در نشاط و تحرک خانواده و در نتیجه جامعه و حرکت آن به سوی کمال و سعادت دارد، سبک شوهرداری برای خانم هاست. در ادامه به چندین نمونه از سبک شوهرداری حضرت خدیجه(س) اشاره خواهیم داشت؛ چراکه حضرت خدیجه(س) یکی از الگوهای برتر شوهرداری هستند.

[1]. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص۱۸.

www.SID.ir

Archive of SID

۱. نگرش ارزشمدارانه به همسر

اولین ویژگی و امتیاز حضرت خدیجه(س) نسبت به وجود مبارک پیامبر، درک ارز شهای واقعی او در برابر درخشش فریبندگی‌های مادی و ظاهری بود.

خدیجه(س) معنای فضایل و کمالات انسانی را به خوبی شناخته بود و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم بیابد، حاضر شد در لحظه به لحظه زندگی از ابتدای آن تا آخرین ثانیه ها، تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند. اگر زن مسلمان نگرشی ارزشی به همسر خود داشته باشد و خوبی شوهر را در وجود کمالات دینی و الهی بداند نه امتیازات مادی و ظاهری، می‌تواند پیوندی عمیق و ناگسستنی با شوهر ایجاد کند که علاقه‌های ظاهری و ابرازاحساسات معروف در خانواده ها، پرتو ناچیزی از عظمت این عشق حقیقی به حساب می‌آید.

۲. احترام همیشگی به شخصیت همسر

حضرت خدیجه(س) با وجود داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه در رفتار و مواجهه با رسول اکرم(ص) کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری داشته باشد، از خود بروز نمی دادند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جلوه ای عالی ازاین رفتار را می توان در پایان مراسم عقد و زمانی که پیامبر(ص) می‌خواستند به خانه عموی شان ابوطالب برگردند، مشاهده کرد. در آن لحظات حضرت خدیجه(س) این گونه همسر خود را مخاطب قرار می دهد: «به خانه خودتان وارد شوید، خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.» [1]بنابراین موقعیت مالی و اجتماعی زن هیچ گاه نباید سبب برتری جویی بر شوهر شود بلکه خانم‌ها باید موقعیت مالی و اجتماعی را در خدمت پیشرفت و رشد خانواده قرار دهند.

۳. بیان غیرمستقیم انتظارات و خواسته ها

بدون شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد. حضرت خدیجه(س) خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکر م(ص) انجام داده بود و از این رو به صورت طبیعی می توانست توقعاتی را نیز از آن حضرت داشته باشد، اما هیچ گاه خواسته های شخصی خود را مستقیم بیان نمی کرد بلکه اهتمام داشت که آن‌ها را به عنوان یک پیشنهاد یا خواهش و با کمال ادب و احترام مطرح کند؛ به طور مثال حضرت خدیجه(س) وصیت های خود را در قالب یک گفت وگوی صمیمانه مطرح می کند و می گوید: «یا رسول الله می خواهم خواسته ای را توسط دخترم فاطمه(س) به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقیم بازگو کنم.» پیامبر از منزل حضرت خدیجه(س) بیرون رفت. آن گاه حضرت خدیجه(س) دخترش فاطمه(س) را صدا کرد و به او

[1]. محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص۹۱.

www.SID.ir

Archive of SID

گفت:«عزیزم! به پدر بزرگوار خود بگو که مادرم می گوید :«دوست دارم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی کفن کنی و در قبر بگذاری.»

٤. اظهار علاقه و احساسات به همسر

یکی دیگر از نمونه های بارز سبک شوهرداری حضرت خدیجه(س)، ابراز محبت به همسر گرامی خویش بود. حضرت خدیجه(س) در اشعاری که منسوب به ایشان است، همسر خویش را با چنین مضامینی خطاب می کند:«ا گر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آن‌ها همیشه از آن من باشد، در نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش نداردزمانی که چشم من به چشم تو نیفتد.»[۱]

٥. تلاش برای جلب رضایت همسر

خدیجه(س) تمام توان خود را به کار می‌برد تا امور منزل را مطابق میل پیامبر اداره کند. از جمله چون به میزان علاقه پیامبربه عبادت آگاه بود، چنان رفتار می‌کرد که پیامبر به راحتی به عبادت و راز و نیازش مشغول باشد و حضور خدیجه را مانعی برای عباداتش نداند. پیامبر اکرم(ص) قبل از بعثت، در هر ماه چند بار و نیز همه ساله ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می‌گذراند[۲] و این عمل بعداز ازدواج نیز ادامه داشت. لذا امام هادی(ع) می‌فرمود: «پیامبر اسلام پس از سفر تجاری شام، درآمدش را بین فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می‌رفت و به تماشای شگفتی‌های خلقت مشغول می‌شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می‌گرفت و خدا را آنگونه که شایسته بود عبادت می‌کرد.[۳] خدیجه(س) با درک چنین روحیاتی از پیامبر، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کرد و همیشه با همدلی همراهی او را بدرقه می‌کرد، غذایش را به وسیله حضرت علی(ع) به بالای کوه می‌فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می‌شد. علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می‌نویسد: «در آن ماه رمضان که پیامبردر کوه حرا به سر می‌برد و وحی و بعثت آغاز می‌شد، حضرت علی وخدیجه و یکی از غلامان در حضورش بودند.»[٤] همراهی و همدلی خدیجه و تلاش او برای کسب رضایت رسول اکرم به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضمن وصیت هایش به پیامبر(ص) گفت: «من در حق شما کوتاهی کردم، من را عفو کن.» پیامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی.»[٥]

---

[۱]. نمازی شاهرودی، مستدرک سفینهٔ البحار، ج٥، ص٤٤.

[۲]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۱۳، ص۲۰۸.

[۳]. مجلسی، بحار الانوار، ج۱۷، ص۳۰۹.

[٤]. همان، ج۱٥، ص۳٦۳.

[٥]. حایری، شجره طوبی، ج۲، ص۲۳٥.

www.SID.ir

Archive of SID

۳. تربیت فرزندان صالح

بدون تردید، مادر به عنوان مؤثرترین عامل محیطی و وراثتی در پرورش و رشد شخصیت کودک نقش بسزایی دارد. یکی دیگر از ابعاد مهم زندگی حضرت خدیجه(س) فرزند داری و فرزند پروری ایشان است.

۱. پرورش صحیح فرزندان

حضرت خدیجه علاوه بر این که به نص قرآن مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش فرزندان نیک و صالحی برای رسول الله(ص) تربیت نمود. وی شش فرزند برای پیامبر به دنیا آورد و دردامن پر مهر خویش پرورش داد که در میان آنها حضرت فاطمه(س) از رتبه خاصی برخوردار است. دختری که رهبری اسلام بعد از پیامبر اکرم و علی(ع) از نسل او پدید آمد و ادامه یافت. این دختر با مادرش آنچنان ارتباط تنگاتنگ داشت که هنگام رحلت حضرت خدیجه، فاطمه(س) که در حدود پنج سال داشت شدیدا بیتابی میکرد و به دور پدر بزرگوارش می‌چرخید و می‌گفت: «یا ابه این امی، پدرجان! مادرم کجاست؟» حضرت جبرئیل نازل شد و فرمود: یا رسول الله !خداوند می‌فرماید :سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه‌های بهشتی با آسیه و مریم زندگی میکند.[۱] این دختر پاکیزه، هنگام رحلت مادر وقتی احساس کرد که حضرت خدیجه شدیدا در فراق او و پدر ارجمندش ناراحت است و لاتحزنی :» نگران تنهایی و بی یاوری حضرت محمد(ص) می‌باشد، به مادرش دلداری داده و گفت:«یا اماه! لاتحزنی ولاترهبی فان الله مع ابی[۲]; مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش، زیرا خداوند یار و یاور پدرم می‌باشد.»

امامان معصوم(ع) نیز همیشه به وجود چنین مادری افتخار میکردند، همچنانکه حضرت مجتبی(ع) هنگامی که با معاویه مناظره میکرد، در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی و سعادت و خوشبختی خود می‌باشد[و در دامن چنین زن پست و فرومایه‌ای پرورش یافته ای] این گونه اعمال زشت از تو سر میزند و سعادت ما خانواده در اثر تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا همچون خدیجه(س) و فاطمه(س) می‌باشد.[۳]

حضرت خدیجه علاوه بر اینکه در دامان پر مهر و عطوفت خویش فرزندان پیامبر را پرورش داد، فرزندان شایسته‌ای را نیز قبل از ازدواج با پیامبر تربیت کرده بود که از جمله آنها هند بن ابی هاله می‌باشد. او (هند) در مدت سه شبانه روزی که پیامبراکرم(ص) در هنگام هجرت در غار ثور مخفی شده بود، به همراه علی(ع)

---

[۱]. شیخ طوسی، محمدبن حسن، الامالی، ص۱۷۵.

[۲]. دشتی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)، ص۱٦٤.

[۳]. طبرسی، الاحتجاج، ج۱، ص۲۸۲.

www.SID.ir

Archive of SID

دور از چشم مشرکان مکه محرمانه به پیامبر(ص) آذوقه می‌برد و برمی گشت. وی مردی بزرگوار، شریف، فصیح و محدث بود و از شوهردیگر خدیجه بنام ابی هالهٔ بن زرارهٔ تمیمی متولد شده بود.[۱]

۲. تربیت مونس و غمخوار نبی مکرم و همسر وصی انقلاب

از دیگر خدمات چشمگیر حضرت خدیجه(س) به پیامبر اکر م(ص) و انقلاب الهی ایشان، به دنیا آوردن و تربیت شخصیتی بود که بعدها به خاطر خدمات بنیادینش به پیامبر اکرم(ص)، لقب «ام ابیها «را از جانب آن حضرت دریافت کرد. در واقع حضرت خدیجه(س) با تربیت صحیح و دقیق حضرت زهرا(س) علاوه بر خدمتی که به کل جریان انقلاب نبوی نمود، برای دوران اولیه ایجاد و آغازی نگاه آن نیز تاثیر شگرف داشت؛ رهبر معظم انقلاب با ادبیات ذیل به تبیین شخصیت و جایگاه حضرت زهراعلیها السلام در فرآ یند انقلاب نبوی در دوران خلاء وجودی حضرت خدیجه اشاره فرموده است: «دختری که در کوره گداخته مبارزات سخت پیغمبر(ص) در مکه متولّد شد و در شعب ابیطالب یار و غمگسار پدر بود. دختری حدوداً هفت، هشت ساله یا دو، سه ساله - بنابر اختلاف روایات، کمتر و بیشتر - در شر یطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند، آن شرایط دشوار را تحمّل کرد. پیغمبر تنهاست، بی غمگسار است، همه به او پناه می‌آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزداید؟ یک وقت خدیجه بود، که حالا نیست. ابوطالب بود، که حالا نیست. در چنین شرایط دشواری، در عین آن گرسنگی‌ها و تشنگی‌ها و سرما و گرمای دوران سه ساله شعب ابیطالب که از دورانهای سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در درّه‌ای با همه مسلمانان معدود، در حال تبعید اجباری زندگی میکردند؛ این دختر مثل یک فرشته نجات برای پیغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمّل کرد. غمگسار پیغمبر(ص) شد، بارها را بردوش گرفت. [۲]

۳. توجه به نیازهای عاطفی و خواسته‌های فرزندان

مهرورزی و محبت به کودکان و رفع نیازهای معنوی و عاطفی فرزندان، یکی دیگر از اصول تربیتی اسلام می‌باشد. حضرت خدیجه به عنوان یک مادر دلسوز و مربی آگاه در این مورد حساسیت ویژه‌ای داشت ماجرای زیر بیانگر این ویژگی حضرت خدیجه(س) می‌باشد. در ایام بیماری خدیجه که به مرگ وی انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه را گریان و ناراحت مشاهده کرد و به او دلداری داده و گفت: تو از بهترین زنان عالم محسوب میشو ی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسررسول گرامی اسلام هستی و بارها تو را به بهشت بشارت داده است. با این همه چرا گریان و نگران

[۱]. شیخ طوسی، همان، ص٤٦٣.

[۲]. ن.ک.رهبر معظم انقلاب، ۷۱/۹/۲۵.

www.SID.ir

Archive of SID

هستی؟ خدیجه(س) فرمود: اسماء! من در فکر این هستم که دختر هنگام زفاف نیاز به مادر دارد تا نگرانی‌ها و اسرارش را به مادر بگوید و خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، فاطمه(س) کوچک است، میترسم کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود و برایش مادری کند. اسماء بنت عمیس گفت:ای بانوی من ! نگران نباش من با تو عهد میکنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه مادری کنم و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم. بعد از وفات خدیجه(س) هنگامی که شب زفاف حضرت فاطمه(س) فرا رسید، پیامبر اکرم(ص) فرمود: همه ز نها از اتاق عروس خارج شوند و کسی در آنجا باقی نماند. همه رفتند، اما پیامبر اکرم(ص) متوجه شد که هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق باقی مانده است. فرمود :آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟ اسماء گفت :چرا یا رسول الله من شنیدم و قصد مخالفت با فرمایش شما را نداشتم، ولی عهد من با خدیجه مرا بر آن داشت که در اینجا بمانم; چون با خدیجه پیمان بسته ام که در چنین شبی برای فاطمه مادری کنم[1]. حضرت رسول اکرم(ص) با شنیدن این سخن به گریه در آمد و فرمود: تو را به خدا سوگند برای این کار ایستاده ای؟ اسماء عرض کرد: آری. پیامبر(ص) دست به دعا برداشته و برای اسماء بنت عمیس دعا کرد.[2] همچنین حضرت خدیجه در مورد آینده دختر خردسال خویش خطاب به پیامبر اکرم(ص) دغدغه‌هایی را به این ترتیب بیان نمود: یا رسول الله! این دختر من - با اشاره به حضرت فاطمه(س) - بعد از من غریب و تنها خواهد شد. مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتاری تند و خشن داشته باشد.[3]

نتیجه‌گیری

از آن چه گذشت معلوم می‌شود خانواده خانواده مهمترین نهاد برای تربیت و پرورش استعدادهای آینده است و زنان با توجه به نقش مهمی که در این نهاد به عهده دارند باید از سیره الگوهای برتری همچون خدیجه(س) الگو برداری کنند.

با مطالعه سیره خانوادگی آن حضرت معلوم می‌شود ایشان از هر جهت مظهر کمالات انسانی و ایثار و مقاومت، درایت و دوراندیشی، و در تعامل با همسر رفتاری محترمانه همراه با عشق و محبت داشته و همواره در پی جلب رضایت همسرگرانقدرشان بودند. یکی دیگر از ابعاد مهم زندگی این بانوی بزرگوارفرزند داری و فرزند پروری ایشان است چراکه ایشان علاوه برمهرورزی ومحبت به فرزندان به رفع نیازهای عاطفی و معنوی آنها بسیاراهمیت می‌دادند.

---

[1]. امین، اعیان الشیعه، ج۱، ص۳۸۰.

[2]. حایری، شجره طوبی، ج۲، ص۳۳٤.

[3]. همان.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

- قرآن کریم

کتب فارسی

۱. دشتی، محمد، (۱۳۹٦ه. ش)، **فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)**، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۵۱ه. ش)، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. قایمی، علی، (۱۳۹۳ه. ش)، **نظام حیات خانواده در اسلام**، بی‌جا: انجمن اولیاء و مربیان.
٤. قلی‌زاده، احمد، (۱۳۷۹ه. ش)، **واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه**، تهران: بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی، نور الاصفیاء.
۵. کرمی فریدنی، علی، (۱۳۸۵ه. ش)، **فروغ آسمان حجاز خدیجه(علیهاالسلام)**، قم: مؤسسه نسیم انتظار، چاپ سوم.
٦. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۹٦ه. ش)، **ریاحین الشریعه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷. محمدی اشتهاردی، محمد، (۱۳۷۷ه. ش)، **حضرت خدیجه اسطوره مقاومت و ایثار**، تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.
۸. محمدی ری شهری، (۱۳۸۷ه. ش)، **تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث**، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
۹. ملبوبی، محمدباقر، (۱۳۹۷ه. ش)، **الوقایع و الحوادث**، بی‌جا، دارالعلم.
۱۰. میرشکاری، جواد، (۱۳۸۵ه. ش)، **فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان**، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

کتب عربی

۱۱. ابن ابی الحدید، (۱٤۰٤ه. ق)، **شرح نهج البلاغه**، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۲. ابن فارس، احمد، (۱۳۸۹ه. ق)، **معجم مقاییس اللغة**، محقق: عبدالسلام محمد هارون، مصر: بی‌جا.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱٤۰۷ه. ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱٤. ابن هشام، (بی‌تا)، **السیرة النبویة**، محقق: مصطفی السقاء، الابیاری و شلبی: بیروت، دارالمعرفه.
۱۵. امین، سیدمحسن، (۱٤۱۲ه. ق)، **اعیان الشیعه**، بی‌جا: دار التعارف.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۶. حایری، محمدمهدی، (۱۳۸۵ه. ق)، **شجره طوبی**، نجف، المکتبه الحیدریه، چاپ پنجم.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی‌تا)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دار المعرفه.
۱۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، (۱٤۱٤ه. ق)، قم: دار الثقافهٔ، چاپ اول.
۱۹. طباطبایی حکیم، محمدتقی، (۱٤۱۸ه. ق)، **الاصول العامه للفقه المقارن**، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی، (۱٤۰۳ه. ق)، **الاحتجاج علی اللجاج**، محقق: خراسانی، محمدباقر، مشهد: مرتضی، چاپ اول.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، (۱٤۰۳ه. ق)، **بحار الانوار**، بی‌جا: دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. نمازی شاهرودی، علی، (۱٤۱۹ه. ق)، **مستدرک سفینهٔ البحار**، محقق: حسن بن علی نمازی، بی‌جا: بی‌نا.

مقالات

۲۳. وطن دوست، محمدعلی، (۱۳۹۷ه. ش)، «**تحلیل فلسفی ارتباط میان بینش، گرایش و منش و ارایه راهکارهای تربیتی دستیابی به رفتار سالم**»، پنجمین کنفرانس بین المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.

www.SID.ir